

امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

نام و نام خانوادگی: ۱۰ صبح	نمره: ۱۷	مدت: ۸۰ دقیقه
شماره یا نام مصحح اول	نمره بر عدد	نمره بر حروف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره بر عدد	نمره بر حروف

نیم سال اول ۹۵-۹۶
رشته مطالعات زبان ورودی مهر ۹۲

مهر مدرسه

کد امتحان:	۳۹۵۱/۰۷
تاریخ:	۱۳۹۵/۱۰/۲۰
عنوان:	فقه تخصصی ۳
کتاب:	دروس تمهیدیه فی القواعد الفقهیه «انتشارات دارالفقه»
مجموعه:	جلد اول: قواعد لا ضرر (ص ۱۶۸-۸۵) و لا حرج (ص ۱۸۳-۱۶۹) و جلد دوم: قواعد غرور (ص ۱۶۶-۱۵۱) و فراش (ص ۲۰۱-۱۸۳)

نام پدر: نام و نام خانوادگی: کد ملی: مدرسه علی: شهرستان: استان:

۱- در یک نقل از قاعده لا ضرر، عبارت «لا ضرر و لا ضرار علی مؤمن» آمده و در نقل دیگر عبارت «علی مؤمن» وجود ندارد. کدام گزینه در این مورد صحیح است؟ ج ۱ ص ۹۲

۰/۵

- الف. به دلیل اصالة عدم الزیادة نقل اول حجت است.
- ب. چون اصل، عدم تکلم است، نقل دوم حجت است.
- ج. به دلیل اصالة عدم النقیصة نقل دوم حجت است.
- د. دو روایت نسبت به قید مذکور تعارض و تساقط می کنند و وجود آن اثبات نمی شود.

۰/۵

۲- معنی «ضرار» قاعده لا ضرر چیست؟ ج ۱ ص ۱۱۸

- الف. مشارکت در ضرر بین دو نفر
- ب. ضرر صادر از سهو
- ج. ضرر صادر از قصد
- د. مترادف ضرر

۰/۵

۳- گزینه صحیح در مورد معنای کلمه «غرور» و «غرر» به ترتیب کدام است؟ ج ۲ ص ۱۵۴

- الف. قصد الضرر أو الخدیعة - الخدیعة
- ب. الخدیعة - الجهالة فی المعاملة
- ج. الجهالة - الخطر العظیم
- د. هما مترادفان

۰/۵

۴- ما هو الصحيح فی ما اشتهر بلسان: «المغرور يرجع إلى من غره»؟ ج ۲ ص ۱۵۷

- الف. انها رواية ضعيفة ینجبر ضعفها بعمل المشهور.
- ب. انها رواية عامية السند فلا یكون حجة.
- ج. إنه حدیث صحیح مسند.
- د. انها لیست بروایة.

۰/۵

۵- مراد از «فراش» و «عاهر» در قاعده «الولد للفراش و للعاهر الحجر» به ترتیب کدام است؟ ج ۲ ص ۱۹۰

- الف. زوج - زانیه
- ب. زوجه - زانیه
- ج. زوجه - زانی
- د. زوج - زانی

۰/۵

۶- بم یتحقق الفراش عند المصنّف؟ ج ۲ ص ۱۹۱

- الف. بالعقد و امکان الوطی
- ب. بالعقد و امکان الحمل
- ج. بالعقد و الوطی
- د. بمجرد العقد

۷- برخی با استناد به جزمی بودن و اعتماد به اصالة الحس، حکم به حجیت درباره مراسیل شیخ صدوق (ره) که به لسان «قال» ذکر شده نموده اند. این استدلال را تبیین نموده و پاسخ مصنف از آن را بنویسید. ج ۱ ص ۹۷-۲

۲

جواب: شیخ صدوق روایت را به امام علیه السلام اسناد داده و این نشان می دهد ایشان جزم به صدور روایت داشته است. حال اگر ندانیم این جزم از طریق حس (مشاهده اسناد) حاصل شده یا از طریق حدس، اصالة الحس را که اصلی عقلایی است جاری کرده و می گوئیم جزم ایشان ناشی از حس و ملاحظه اسناد بوده پس حجیت دارد. پاسخ مصنف: جزم اعم است از جزم وجدانی (قطع) و تعبدی و جزمی که حجیت دارد تنها قسم اول است و ما نمی دانیم جزم شیخ صدوق (ره) از کدام قسم بوده. اگر از قسم اول باشد می تواند موجب حجیت باشد اما اگر از قسم دوم باشد، خیر؛ زیرا شاید آن قرائن برای دیگران موجب اطمینان نباشد.

۸- در مورد روایت «قضی رسول الله صلی الله علیه و آله بالشفعة بین الشركاء ... و قال: لا ضرر و لا ضرار» به سوالات زیر پاسخ دهید. ج ۱ ص ۱۰۰

تا ۱۰۳ - ۲ نمره

الف) معنای مورد نظر شیخ الشریعه اصفهانی (ره) از فقره «لا ضرر و لا ضرار» را توضیح دهید.

جواب: ایشان جمله را بر حکم تکلیفی حمل می کنند و معتقدند به موجب روایت فوق، ضرر زدن به دیگران حرام تکلیفی است.

ب) چرا ایشان معتقد است قضیه شفعه با فقره «لا ضرر و لا ضرار» مناسبت ندارد؟

جواب: ثبوت حق شفعه حکمی وضعی است و تعلیل حق شفعه به اینکه ضرر زدن به دیگران حرام است فاقد معنای صحیح است و نمی توان گفت: چون فروختن سهم یک شریک وارد کردن ضرر حرام به شریک دیگر است، لذا شفعه ثابت می باشد.

۹- در مورد روایت «قضی رسول الله صلی الله علیه و آله بین أهل البادية إنه لا یمنع فضل ماء لیمنع فضل کلاء فقال: لا ضرر و لا ضرار» مرحوم

آیت الله خویی معتقد است فقره اخیر با صدر روایت منافات دارد. ج ۱ ص ۱۰۵ و ۱۱۰ و ۱۱۱ - ۲ نمره

الف) وجه منافات را بیان نمایید.

جواب: کسی که چاهی را حفر می کند مالک چاه و همه آبها آن است و لذا حق دارد دیگران را از ملک خود منع کند و این حرام نیست و لذا تعلیل نهی از رساندن آب به دیگران به «لا ضرر ...» صحیح نمی باشد. (به عبارت دیگر، تعلیل نشان می دهد منع حرام است درحالی که در این منع جایز و نهایتاً مکروه می باشد چون نهی از ملک خودش است.)

ب) پاسخ مصنف را با توجه به این فرض که دلیل ملکیت به سبب حیات، سیره عقلائییه است ذکر نمایید.

جواب: با فرض این که دلیل مالکیت به حیات، سیره عقلا است، سیره عقلا دلیل لئی است و ما شک می کنیم که آیا همه آب چاه را مالک می شود یا به مقدار نیاز را و چون دلیل لئی اطلاق نداریم به قدر متیقن اسناد کرده، فقط حکم به مالکیت قدر حاجت می کنیم و لذا مازاد آن قابل منع است و تعلیل منع به عدم جواز اضرار جایز است.

۱۰- در فرضی که اصل وضوء بر مکلف ضرر ندارد، اما رفتن به سمت آب ضرر دارد، مستدلاً توضیح دهید طبق مسلک شیخ انصاری و

آخوند خراسانی آیا وجوب وضوء به استناد قاعده لا ضرر منتفی می شود یا خیر؟ ج ۱ ص ۱۱۸ و ۱۲۷ - ۲ نمره

جواب: طبق مسلک شیخ انصاری که معتقد است معنای قاعده، نفی حکم ضرری است وجوب وضوء منتفی می شود، زیرا وجوب وضوء در اینجا موجب ضرر است، ولو منشا آن خود وضوء نباشد (اما بالاخره وجوب مستلزم ضرر است). (۱ نمره)

اما طبق مسلک آخوند (ره) که معتقد است مفاد قاعده، نفی حکم در مواردی است که موضوع حکم ضرری باشد، در اینجا چون خود وضوء (که موضوع وجوب است) ضرر ندارد بلکه مقدماتش ضرر دارد، نمی توان به استناد لا ضرر نفی وجوب کرد، زیرا قاعده شامل مورد نمی شود. (۱ نمره)

۱۱- بین قاعده غرور و تسبیب چه نسبتی از نسب اربع برقرار است؟ با مثالی برای هر دو قاعده، نسبت را توضیح دهید. ج ۲ ص ۱۵۵ و

۱۵۶ - ۲ نمره

جواب: نسبت عموم و خصوص مطلق زیرا هر جا قاعده غرور جاری شود قاعده تسبیب نیز جاری است اما در بعضی موارد قاعده تسبیب جاری است و قاعده غرور جاری نمی باشد. مثلاً اگر صاحب خانه با علم به غصیبت، میوه را به مهمان تعارف کند تا بخورد، صاحب خانه ضامن خسارت مغضوب منه است چون هم سبب اتلاف است و هم مهمان را فریفته است. اما گاهی فقط تسبیب صادق است نه غرور مانند جایی که شخص فرش خانه دیگری را نجس می کند و تطهیر آن محتاج اجرت است و صاحب خانه آن را برای تطهیر به کسی می دهد. در اینجا نجس کننده چون سبب خسارت شده ضامن است گرچه غار نیست چون قصد خدعه نداشته است.

۱۲- در فرض جهل غار و مغرور به غصیبت شیء بعضی گفته اند قاعده غرور صادق نیست ولی ملاک قاعده غرور جاری است و موجب

ضمان غار است. این سخن را به طور واضح تبیین نموده و پاسخ آن را بنویسید. ج ۲ ص ۱۶۴ و ۱۶۵ - ۲ نمره

جواب: اگر کسی مال غصبی را در معرض استفاده دیگری قرار دهد و هر دو جاهل به غصیبت باشند، غرور صدق نمی کند (و لذا نمی توان به دلیل صدق عنوان غرور حکم به ضمان کرد) اما ملاک موجب ضمان که در غرور وجود دارد، در اینجا هم هست و همین سبب ضمان می شود.

پاسخ: ملاک ضمان در باب غرور، تسبیب و سببیت غار برای خسارت است. بنابر این اگر قاعده تسبیب صدق کند، همان قاعده در اینجا دلیل ضمان می باشد و اگر بگوییم قاعده تسبیب سبب ضمان نیست، ملاک قاعده غرور نیز در اینجا جاری نیست و ضمان ثابت نمی باشد. پس در هر حال سبب ضمان قاعده غرور نیست و اگر ضمانی باشد ناشی از سایر قواعد است.

۱۳- اگر زن مطلقه ای ازدواج مجدد کند و پس از ۸ ماه از وطی زوج اول و ۵ ماه از وطی زوج دوم فرزندی به دنیا بیاورد، دو اثر بر این

وضع حمل مترتب می شود. آن ها را مستدلاً توضیح دهید. ج ۲ ص ۱۹۴ - ۲ نمره

جواب: اثر اول آن است که فرزند ملحق به زوج اول است، زیرا اقل حمل ۶ ماه است و در فرض شک نمی توان فرزند را در صورت به دنیا آوردن با کمتر از ۶ ماه به زوج دوم ملحق نمود. اما زوج اول شرط الحاق را دارد، لذا فرزند به او ملحق می شود. (۱ نمره) اثر دوم: چون فرزند ملحق به زوج اول است و او زن را طلاق داده پس طلاق در حال حمل بوده و عده حامل وضع حمل است. بنابر این نکاح زوج دوم باطل خواهد بود. (۱ نمره)